علوم اسلامی انسانی، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۹، جلد دوم، ص ۱۴۸- ۱۴۲

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

مجله علمی علوم اسلامی انسانی (سال ششم)
شماره ۲۳/ پاییز ۱۳۹۹ / ص ۱۴۸- ۱۴۲

تحلیل و بررسی معماری عصر صفویه

علی صالح
کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی

نام نویسنده مسئول:
علی صالح

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲

چکیده

در تاریخ ایران پس از اسلام ظهور سلسله صفویه نقطه عطفی است مهم؛ زیرا که پس از قرنها، ایران توانست با دستیابی مجدد به هویت ملی، به کشوری قدرتمند و مستقل در شرق اسلامی تبدیل شود. این کشور به رقابتی نزدیک به امپراطوری شمال برمی خیزد و دایره سروری و خلافت عثمانیان را بر ممالک اسلامی رد می کند. حکومتی که صفویان در اوایل قرن دهم هجری برپا کردند یک حکومت مذهبی و بر پایه تشیع بود، این دوره نزدیک به دو قرن و اندی طول کشید. با تأسیس این حکومت مقطع جدیدی در تاریخ ایران گشوده شد. زمانه ای که ایرانیان برای کسب هویت خود به تکاپو پرداختند، و لذا این دوران از اهمیت خاصی برخوردار شد . با توجه به تأثیر طولانی مدت دستاورهای صفویان تا عصر حاضر، می توان گفت که آنها در حل و فصل مشکلات برخاسته از امور نظامی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی تا حدود قابل ملاحظه ای موفق بودند . در این دوره ، نعمت و فراوانی حاصل شد، امنیت بر راهها سایر گسترد، تجارت و بازرگانی به شکوفایی رسید؛ اقلیتها محل تساهل و تسامح مذهبی قرار گرفتند؛ دشمنان خارجی عقب زده شدند؛ هنرها و صنایع در حد و حجم قابل اعتنایی شکوفان گردیدند و دانشمندان بزرگی در عرصه فلسفه پدیدار شدند. سلسله هایی که پس از صفویان بر سر کار آمدند در پیدا کردن راه حل برای مشکلات موجود جامعه به اندازه صفویان موفق نبودند. نظام صفویان به رغم فشارهای داخلی و خارجی به مدت دویست و بیست و پنج سال در ایران ثبات و استواری پدید آورد.

کلید واژه: صفویه، معماری،اصفهان

علوم اسلامی انسانی، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۹، جلد دوم، ص ۱۴۸- ۱۴۲

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

مقدمه

یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنری ایران پس از اسلام دوره صفویه است. در سال ۹۰۷ قمری (۱۵۰۲ م) شاه اسماعیل اول، سلسله صفوی را تاسیس کرد. در ابتدای تاسیس این سلسله، تبریز پایتخت بود. در اواخر قرن دهم قمری، در زمان شاه عباس پایتخت از قزوین به اصفهان انتقال یافت. با انتخاب پایتخت جدید، این شهر به عنوان یکی از درخشان‌ترین شهرهای خاورمیانه گسترش پیدا کرد. با توجه به امنیت ایران در این دوره بناهایی بزرگ و عالی مانند کاخ‌های عالی قاپو، چهل ستون، هشت بهشت و تالار اشرف در اصفهان و بقعه ی شاهزاده حسین، سر درب عالی قاپو و چهل ستون در قزوین ساخته شدند.

تعداد بیشتری از عمارات دوران صفوی در مقایسه با بناهای دوران‌های دیگر ایران، باقی مانده‌است؛ با این وجود معماری دوران صفوی نسبت به معماری سلجوقی، ایلخانی و تیموری ناشناخته مانده‌است. چند عامل به تعیین این تناقض کمک می‌کند. که ما در این مقاله سعی داریم همراه با معرفی بناها و معماری صفویه به بررسی این تناقض نیز بپردازیم.

یکی از این عوامل، عامل به‌ظاهر پیش پا افتاده تعصب و پیشداوری است. عمارات زیبای دوران صفوی پیوسته تحسین بی چون و چرا در پی داشته، از این رو به سادگی در زمرهٔ طبقه‌بندی ناخوشایند جذابیت‌های توریستی قرار گرفته و به همین دلیل تعدادی از آن‌ها به صورت جدی ارزیابی مفصل و محققانه نشده‌است. از طرف دیگر، می‌توان مستندات ناقص و ناکافی معماری صفوی را نیز ذکر کرد: یعنی کمبود نسبی مقاله‌ها، طراحی‌ها و رسالات علمی در این زمینه به جستارهای عموماً شتابزده انجامیده‌است. عامل مهم دیگر، بی حفاظی و در دسترس همگان بودن معدودی از بناهای مهم اصفهان است که این امکان دسترسی به‌آن‌ها باعث شده که در مقایسه با آثار غیر غابل دسترس اردبیل، ماهان، کرمان و مشهد بطور غیر منصفانه نا شناخته باقی بمانند. معنای این غفلت متناقض از آثار خلاقه و غنی این دوره، در این‌است که اصطلاح صفوی به‌منظور کاربرد آن در زمینه ی معماری چندان وافی به‌مقصود نیست. هنوز نمی‌توان نوع خاصی از پلان کف، سازمان‌بندی فضایی، ترکیب بندی نمای پیشین، مقرنس، نیمرخ‌های قوسی یا طاق‌بندی را بدان اطلاق کرد.

زمینه سیاسی

زمینه سیاسی این روزگار در نظر اول حاکی از اوضاع مطلوب برای برنامه‌ریزی‌های عظیم معماری است. هر کدام از شاهان صفوی سلطنت‌های بیست و پنج ساله یا بیشتر داشتند. این سلطنت‌های طولانی و ثبوت شرایط مطلوبی را برای عملیات مطمئن معماری پدیدمی‌آورد. اما این عملیات و اقدام‌ها بطور پراکنده صورت می‌گرفت چون تعدادی از این شاهان یعنی شاه اسماعیل اول و شاه تهماسب اول نتوانستند محرک لازم را از بالا تزریق کنند. به همین دلیل در فاصله بین سال‌های ۱۵۹۰–۱۵۰۰م کارهای معماری عظیمی در ایران صورت نپذیرفت، یعنی قرنی که از زمان ورود آل بویه به صحنه سیاسی- در ایران بی‌سابقه بود.

این اوضاع با جلوس شاه عباس با پویائی تمام تغییر یافت، و دلیل آن هم بی تردید در اشتیاق خود شاه و درباریان او به بناسازی و عمارت‌پردازی بود. بعید نیست که رقبای قبیله‌ای و گروهی دربار صفوی بهانه رقابت خویشتن را در برنامه‌ریزی‌های معماری یافته باشند. چنین می‌نماید که زنان در امر بناسازی چندان دست نداشته‌اند و زنانی که از برنامه‌های معماری حمایت کرده‌اند فقط به امر مدرسه‌سازی پرداخته‌اند. در خارج از محدوده دربار، احتمالاً طبقه تجار هم با حمایت مالی خود تعداد زیادی بازار و حمام‌هایی را (در قزوین، کرمان، کاشان، قم، آمل (به غیر از خود اصفهان) بر پا کرده‌اند.(استیونس، ص ۴۳۰)

سبک معماری صفویان

بهتر آنست که سبک بناهای صفوی با توجه به کمیت و تنوع آن‌ها با تمرکز در **سه ناحیه** عمده بررسی و ارزیابی شود: **ابنیه سده هفدهم اصفهان، آرامگاه‌های بزرگ، معماری غیر مذهبی سده هفدهم**.

بهترین معماری این دوره آنست که مفهومی منسجم از ارزش‌های فضائی دارد. این مفهوم تماشائی‌ترین وجه خود را در مناظر کلی به نمایش می‌گذارد که در آن هر بنائی بناهای مجاور را تکمیل می‌کنند. این مفهوم در سطح وسیعی از معماری منظرهای چهارباغ بیان شده یعنی جائی که به نظر می‌آیند و بطور سنجیده فرع بر منظره‌پردازی خیابان قرار گرفته‌اند. معماری

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

صفوی محتاط است. این معماری با حجم‌ها و توده‌های عظیم سرو کار دارد و سطوح نرم و ساده را بر سطوح پیچیده و بغرنج ترجیح می‌دهد. طاق بندی که اساس و ذرات هر نوع معماری خط خمیده‌است، به جز در چند ساختمان زیارت گاهی نظیر ماهان، یکنواخت و تکرار شونده‌است. هنگامی که معمار دوره صفوی تردیدی می‌کرده، چند ردیف دیگر از کندوهای مقرنسی دیگر می‌ساخته‌است. گنبدهای دوره صفوی از الگوهای دوره تیموری و ایلخانی، نه جلوتر، پیروی کرده‌اند .(تاریخ ایران، دوره صفویان. کمبریج. مترجم: دکتر یعقوب آژند. ص ۴۸۶-۴۸۸)

معماری صفوی (سبک اصفهانی) را در بارورترین مقطع دوران صفوی (عصر شاه عباس اول) می‌توان با این عناصر بازشناخت:

۱-شهرسازی
۲-ساخت و سازه
۳-آمودها

شهرسازی

در اصفهان دورهٔ صفوی براساس سنت دیرینهٔ شهرسازی ایران و با بهره‌گیری از تجارب کشورهای اروپایی، مجموعه‌ای از کاخها، کوشکها، بازارها، مسجدهای بزرگ، مدرسه‌ها، کاروانسراها و باراندازها در پیرامون میدان وسیع مرکزی (میدان چوگان) و در کنار خیابان چهار باغ، و نیز پلهایی استوار بر زاینده رود طبق طرح و نقشهٔ سنجیده‌ای ایجاد شد. این نوسازی و نوآوری گسترده در دوره‌ای کوتاه در سایهٔ امنیت اجتماعی و قدرت دولت متمرکز و امکانات وسیع مالی خزانهٔ ملی و آمادگی فنی - هنری استادکاران برجستهٔ ایرانی امکان‌پذیر بود. پوپ تصریح می‌کند که در این دوره نقشه‌کشی و طراحی حائز اهمیت بوده است.

پدیدهٔ شکوهمند شهرسازی و مجموعه بناهای فاخر اصفهان، گذشته از روحیهٔ آبادگر و استعداد و ذوق هنری شخص شاه عباس زاییده دوره تاریخی و تحولات جهانی بود. برخی عامل ارتباطات پدید آمده بین ایران و دیگر کشورهای اروپایی و آسیایی را نیز در آن مؤثر می‌دانند]، اما آنچه انکارناپذیر می‌نماید، این است که این شکوفایی به سبب نداشتن پایه‌های فرهنگی استوار، با مرگ شاه عباس رو به انحطاط نهاد . عظمت شهر های کشور های قدرتمند اروپایی که با ایران رابطه دیپلماسی برقرار کرده بودند و به خصوص جاذبه های مجموعه آثار وابسته به دربار عثمانی به عنوان رقیب امپراطوری صفوی و نیز رهایی از حکومت قبیله ای دوره تیموری و تشکیل امپراطوری متمرکز و نیز بروز نهضت ایرانخواهی و عظمت گرایی در طراحی شهری اصفهان بوده است.مورخان و محققان در بحث پیرامون علل فوق نظری گذرا داشته اند و تاثیرات فرهنگی و هنری کشور های مرتبط با ایران را به گونه ای سطحی نگریسته اند مثلاً « ارنست کونل می نویسد : این سلسله صفوی به یاد ایده الهای ملی توده مردم می افتد و ایران را یکبار دیگر برای آخرین بار به اوج اعتلای فرهنگ رهنمون می شود » و اشاره ای کوتاه به روابط ایران با چین و سایر کشور های اروپایی می کند.

ساخت و سازه

أ. ایوان فضای احیاء شده

در شیوهٔ اصفهانی از ایوان نه‌تنها به صورت فضایی در حد فاصل بیرونی و درونی بنا چونان شیوه‌های پیش از آن استفاده شد، بلکه این پدیده به‌صورت نماسازی در منظر عمومی شهر جایگاه ویژه‌ای یافت؛ مثلاً تکرار ایوانها در بناهای دور میدان نقش جهان به منظر ایوان، نظمی یکدست و تازه بخشید. همزمان با دورهٔ عباسی و بعد از آن ایوان‌سازی به شیوهٔ اصفهانی در بناهای معتبر و میدانهای بزرگ شهرهای ایران از جمله کرمان رواج یافت.

تعاریف غربیان در خصوص ایوان اکثراً ناقص و نارساست . تیتوس بورکهارت می نویسد : « از مشخصات معماری ایران یکی ایوان است با طاق بند بلند نیم دایره ای .» حال آن که ایوان بنا های قبل از اسلام پوشش با قوس بیضی ایستاده

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

و در دوران اسلامی پوشش با قوس جناغی داشته است و بلندای طاق ایوان بنا به نوع عملکرد اندازه های متفاوتی داشته است.محققان غربی ایوان را به عنوان بخشی از فضای بیشتر بناهای ایرانی، و در دورهٔ صفوی به عنوان بخشی از مجموعهٔ شهری دانسته‌اند.

ب. تغییرات در پلانها

در شیوهٔ اصفهانی ته رنگ بناها نسبت به شیوه‌های قبل سادگی بیشتری دارند. در بیشتر بناها حتی‌الامکان کل ته رنگ در شکلی چهار گوش یا چند ضلعی خلاصه شده است و در آنها کمتر طراحی آزاد دیده می‌شود، مگر در بخشهایی که ناچار به تغییر محور بوده‌اند، مثل وضع قرار گرفتن مسجد امام اصفهان نسبت به میدان نقش جهان؛ با این همه، خود مسجد در مجموع ته رنگی چهارگوش دارد.پیرنیا می‌نویسد: پلانها و طرحها اغلب چهارگوش هستند و یا کلاً شکل هندسی شکسته دارند و در آنها برخلاف شیوهٔ آذری «نخیر و نهاز» بر خلاف شیوه آذری دیده نمی‌شود. گاهی نیز از مربع و مستطیلِ «گوشه پخ» استفاده شده است ، او سادگی ته رنگ و نما را ناشی از محدودیت زمانی و محدود بودن افراد متخصص می‌داند.

ت. تغییرات‌در پوششها و جای‌گذاری‌پایه‌ها و دیوارها

پژوهشگران رواج طاقهای منحنی و گنبدهای ایرانی را مربوط به دوران ساسانی می‌دانند که به مثابهٔ یکی از عناصر مهم و اساسی معماری به‌دورهٔ اسلامی می رسد. در دورهٔ ساسانی برای اجرای طاقها قالب نمی‌بستند و آنها را با روشهای ضربی و رومی و یا با آمیزه‌ای از آن دو می‌زدند که در دورهٔ اسلامی نیز همین روش به کار رفته است. در اجرای گنبدها در دورهٔ ساسانی از چفدِ استفاده می‌کردند که بسیار مقاوم بود. ولی در دورهٔ اسلامی برای دستیابی به ارتفاع کمتر در طاقها و گنبدها از چفدهای جناغی که از تقاطع دو بیضی پدید می‌آید، استفاده کردند. به تدریج در معماری اسلامی انواع چفدهای جناغی با توجه به وسعت دهانه و میزان باری که روی طاق می‌آمد، در پوششها به کار گرفته شد.

ث. گنبدها

گنبدسازی در شیوهٔ اصفهانی از لحاظ ساخت و ساز تغییر چندانی نمی‌کند. گذشته از ساده‌تر شدن گوشه‌های زیر گنبد، ساقهٔ گنبد نسبت به «اربانه» (= گریو کوتاه) در گنبدهای شیوهٔ آذری کشیده‌تر می‌شود و به صورت «گریو» (= گردن) درمی‌آید که غرض عمدهٔ آن عظمت بخشیدن بیشتر به بنا و استفاده از نور بیشتر برای داخل فضاست به پیروی از همین شیوه و ترکیب و همخوانی با گنبد، گلدسته‌های مساجد نیز ساده‌تر، ظریف‌تر و باریک‌تر از گلدسته‌های قدیم می‌شوند. گنبدها و گلدسته‌های مسجد امام و مسجد شیخ لطف‌الله با مساجد مربوط به شیوه‌های پیشین از این حیث قابل مقایسه‌اند.

آمودها (تزیینات یا الحاقات غیرسازه‌ای) در شیوهٔ معماری اصفهانی آمودها با الهام گرفتن از کم و کیف رستاخیز هنری، و به مقتضای ساختار کالبدی بناها به طرزی نو اجرا می‌شوند:

أ. کاشی هفت رنگ

کاشی هفت رنگ از ابداعات دورهٔ عباسی است که پس از یک دورهٔ طولانی معرق‌کاری در معماری ایرانی در بناهای کلاسیک اصفهان به کار می‌رود. صفحات منقوش و به‌هم پیوستهٔ کاشیهای نما و تَرْکهای نگاره‌دار گنبدها، با رنگهای بدیع و گل و بوته‌های استیلیزه شده و نقشهای اسلیمی و هندسی آذین می‌شوند.

کاشیهای هفت رنگ از لحاظ دوام نسبت به کاشی معرق عمر کوتاه‌تری دارند، اما ترکیب نقوش و رنگ آنها از جلوه‌های زیباشناختی و نیز از مختصات شیوهٔ معماری - هنری اصفهانی است که همزمان با دورهٔ عباسی و پس از آن در بسیاری از بناهای کلاسیک ایران به کار گرفته شده است.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

گدار که کاشیهای این دوره را به خوبی می‌شناسد، می‌گوید: این نوع کاشی دوام و ارزش کاشی معرق را ندارد، اما چون نظر بر این بوده که منظر عمومی بنا آبی باشد، کاشی هفت رنگ بیشتر مطلوب بوده است. وی می‌افزاید: در سطح خارجی گنبدها که نیاز به دوام بیشتر در جهت تقابل با عوامل جوی دارد، از این نوع کاشی استفاده نشده است.

ب. رنگ

رنگهای به کار رفته در پوششها و آمودهای بناها یکی از ملاکهای شناخت دورهٔ تاریخی آثار، و نیز یکی از عناصر ارزیابی ذوق و پسند کلاسیک و عمومی اهل فن و هنر و عامه در هر دورهٔ تاریخی است. در آثار قوام یافته با شیوهٔ اصفهانی رنگهای مسلط آبی، فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید شیری، نخودی پخته و طلایی است.

پس از شاه عباس جلوهٔ کلی بنا که آبی رنگ بود، تغییر یافت؛ حتی در زمان شاه سلیمان طرحها غالباً ناهماهنگ شد و رنگهای قرمز و زرد و نوعی نارنجی زشت جای بیشتری گرفت. گرچه در اواخر دورهٔ صفوی برای بازگشت به هنر دورهٔ عباسی کوششهایی شد و آخرین بنای مشهور این دوره «مدرسهٔ مادرشاه» نمونهٔ عالی رجعت به معماری و هنر دورهٔ عباسی است.

ت. نقش بر دیوار

از مختصات هنری دورهٔ عباسی احیای نقش بر دیوار است که با فضاسازی و مکان گزینی شیوهٔ معماری اصفهانی، تجدید حیات آن ممکن شد. نقشهای روایتی بر دیوار کاخ چهل ستون و نقشهای نفیس تزیینی بر دیوار کاخهای صفوی هر یک نمونه‌ای ارزشمند از هنر متحول نگارگری ایران در آن دوره است.

عموم محققان از این بخش از هنر آمودی این دوره به‌سادگی گذشته‌اند و اگر از اشارات پوپ و برخی دیگر بگذریم، هیچ نشانه‌ای از تأمل و مطالعه در این هنر احیا شده در شیوهٔ اصفهانی نمی‌بینیم.

ث. نورپردازی

تنظیم نور با توجه به جهت تابش آفتاب و رعایت سنت درون‌گرایی در بناهای ایرانی صورت گرفته است. دور گردن بلند گنبدها نورگیرهایی تعبیه شده است که هم سنگینی نما را متعادل می‌کند و هم نور کافی و غیرمستقیم به داخل می‌دهد. نور گیرها در بسیاری از بناها به صورت گلجام است. در نمای خانه‌ها برای هدایت نور غیرمستقیم به درون و جلوگیری از اشراف خارج به حریم خانه، از شبکه‌های چوبی یا شبکه‌های آجری «فخر و مدین» استفاده شده است. پوپ می‌نویسد: نورپردازی یکی از ویژگیهای چشمگیر مسجد شیخ لطف‌الله‌است. وی به پنجره‌های مشبک در ساقهٔ گنبد توجه دارد که شامل نقشهای زیبای اسلیمی است.

دلاواله نیز به نور پردازی در بناهای صفوی توجه داشته است. گزارش او گرچه بسیار گذراست، اما به طور کلی برداشت درستی از نورپردازی فضاهای مسکونی دارد.

ج. آینه‌کاری و گچ‌بری

آینه‌کاری در تالارها و طاق سردرها از آمودهای ابداعی شیوهٔ اصفهانی است که با طرحهای متنوع اجرا شده است. گچ تراش یا گچ معرق نیز از یادگارهای معماری اصفهانی است که در برخی از بناهای حوزهٔ مرکزی ایران مورداستفاده قرار گرفته است. از نمونه‌های بر جای مانده می‌توان مسجد میدان ساوه، محراب زیر گنبد مسجد جامع ساوه و کتیبهٔ ایوان اصلی مشهد اردهال کاشان را نام برد.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

مشهورترین مجموعه‌ها یا تک بناهای نمایانگر شیوهٔ اصفهانی اینهاست.

در اصفهان:

مجموعهٔ نقش جهان (شامل میدان و بناهای پیرامون آن)، مجموعهٔ خیابان چهار باغ و بناهای کلاسیک ساخته شده در آن، و پلهای ساخته شده در دورهٔ صفوی.

در کرمان:

مجموعهٔ گنجعلی‌خان که الگوبرداری کاملی از شهرسازی اصفهان در دورهٔ عباسی است.

در شیراز:

مجموعهٔ بناهای کریمخانی که گواهی است بر ادامهٔ این شیوه از لحاظ عمومی و کلی در دوران زندیه

نتیجه

در دوران صفویه به علت توجه مخصوص سلاطین این سلسله به هنر وضعیت و تشویق آنها تحولات زیادی در معماری ایرانی ایجاد گردید. فن معماری در این دوره فوق‌العاده ترقی کرده و ابنیه‌های زیادی از قبیل مساجد و مقابر ائمه و پلها و کاخها ساخته شد که امروزه نیز پابرجا هستند. قسمت اعظم شاهکارهای معماری دوران صفویه در اصفهان است و این شهر در آن دوره بسیار زیبا و دیدنی بوده است بطوری که سیاحان غربی در سفرنامه‌هایشان از زیبایی اصفهان زیاد تعریف کرده‌اند.

آنچه در تدوین فضای معماری ایرانی، شکل دادن و مجهز کردن محور اصلی آمد و شدها و توقف‌هاست، در دوران صفویه بار بصری بیشتری دارد. در این دوره شهرسازی ایران به استقبال قرینه‌سازی می‌رود. کاربرد این شگرد در پیشینه‌های معماری ایرانی نزدیکی‌های زیادی دارد که با اندازه‌هایی که در بلندا افزایش داده می‌شوند، معماری‌های دارای کاربرد اجتماعی دوران صفویه را همانند وسیله ارتباط جمعی _ از راه بصری را متمایز می‌کند. آنچه در تدوین فضای معماری ایرانی در نقش نمادین دادن به بناها دارای کاربری همگانی خلاصه می‌شود، به دست معمارانی که از توان چشمگیر صفویان در آبادانی و تولید فضای ساخته شده بهره می‌بردند رشد زیادی کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

منابع

۱) معماری ایران در دوره صفویان، پژوهش از دانشگاه کمبریج. ترجمه دکتر آژند. انتشارات جامی. ص۴۰۳
۲) استیونس، ص ۴۳۰
۳) تاریخ ایران، دوره صفویان. کمبریج. مترجم: دکتر یعقوب آژند. ص ۴۷۵.
۴) تاریخ ایران، دوره صفویان. کمبریج. مترجم: دکتر یعقوب آژند. ص ۴۸۶-۴۸۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی